



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دکتر علی شریعتی

پایان‌نامه‌ی دکتری

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

بررسی ویژگی‌های روایی گونه‌ی مقامه

استاد راهنما: دکتر زهرا اختیاری

استادان مشاور:

دکتر سیدجواد مرتضایی

دکتر سمیرا بامشکی

نگارش:

فائزه عرب یوسف آبادی

زمستان ۱۳۹۱



دانشگاه گیلان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم چکیده ی پایان نامه به زبان فارسی

نام خانوادگی دانشجو: عرب یوسف آبادی نام: فائزه

استاد راهنما: دکتر زهرا اختیاری استادان مشاور: دکتر سیدجواد مرتضایی؛ دکتر سمیرا بامشکی

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی رشته ی: زبان و ادبیات فارسی مقطع: دکترا

تاریخ دفاع: تعداد صفحات:

عنوان پایان نامه: بررسی ویژگی های روایی گونه ی مقامه

کلید واژه ها: ریخت شناسی، مقامه، زمان، کانونی سازی، روایت شناسی، ترامتیت

چکیده:

در این پژوهش، ویژگی های روایی گونه ی مقامه بررسی شده است. بدین منظور برپایه ی نظریه ی ریخت شناسی ولادیمیر پراپ و نظریه های روایت شناسی و ترامتیت از ژرار ژنت، ۱۲۴ مقامه ی موجود در کتاب های مقامات بدیع الزمان همدانی و مقامات حریری و مقامات حمیدی ارزیابی و بررسی شد و این نتایج به دست آمد که مقامه های عربی و فارسی، به رغم تکثر و تنوع ظاهری دارای بنیانی هم پسته اند که حاصل ساختار روایی آن هاست؛ این ساختار روایی از نظر انواع قهرمان و عملکرد آنان و طرز استفاده از مؤلفه های زمان و کانونی سازی و همچنین از نظر انواع ارتباط با دیگر متون، مشابه است.

امضای استاد راهنما

فهرست مطالب

شماره‌ی صفحه

مقدمه.....	۱۱
پیشینه‌ی پژوهش و نقد آن.....	۱۸
بخش اوّل: کلیات و مبانی نظری.....	۳۰
فصل اول: مقامه‌نویسی در زبان عربی و فارسی.....	۳۱
۱- مقامه.....	۳۱
۲- مقامه‌نویسی.....	۳۲
۳- نخستین مقامه‌نویس.....	۳۳
۴- برجسته‌ترین مقامه‌نویس.....	۳۵
۵- مقامه‌نویسی در زبان فارسی.....	۳۶
یادداشت‌ها.....	۳۹
فصل دوم: روایت‌شناسی ساختگرا.....	۴۰
۱- روایت.....	۴۰
۲- روایت‌شناسی ساختگرا.....	۴۰
۳- نخستین روایت‌شناس ساختگرا.....	۴۲
۴- برجسته‌ترین روایت‌شناس ساختگرا.....	۴۳
بخش دوم: ریخت‌شناسی مقامه‌های عربی و فارسی.....	۴۵
۱- خویشکاری.....	۴۷
۱-۱- اجزای اصلی روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی.....	۵۰
۲-۱- بسامد استفاده از خویشکاری‌های نظریه‌ی ریخت‌شناسی پراپ در مقامه‌های فارسی و عربی.....	۵۴
۱-۲-۱- نمودار مربوط به بسامد استفاده از خویشکاری‌های نظریه‌ی ریخت‌شناسی پراپ در مقامه‌های فارسی و عربی.....	۷۱

- ۲- شخصیت..... ۷۲
- ۱-۲- نمودار مربوط به بسامد استفاده از خویشکاری‌های نظریه‌ی ریخت‌شناسی پراپ در هفت حوزه‌ی عمل مقامه‌های فارسی و عربی..... ۷۷
- ۳- الگوی روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی..... ۷۸
- ۱-۳- الگوی اول : بسط از طریق خویشکاری جنگ و کشمکش ۸۰
- ۱-۱-۳- مقامات بدیع‌الزمان همدانی ۸۰
- ۱-۱-۳- تحلیل آماری داده‌ها..... ۸۳
- ۲-۱-۳- مقامات حریری ۸۵
- ۱-۲-۱-۳- تحلیل آماری داده‌ها..... ۸۶
- ۳-۱-۳- مقامات حمیدی ۸۷
- ۱-۳-۱-۳- تحلیل آماری داده‌ها ۹۰
- ۲-۳- الگوی دوم : بسط از طریق خویشکاری‌های درخواست انجام کار دشوار و انجام دادن..... ۹۲
- ۱-۲-۳- مقامات بدیع‌الزمان همدانی..... ۹۳
- ۱-۱-۲-۳- تحلیل آماری داده‌ها..... ۱۰۱
- ۲-۲-۳- مقامات حریری ۱۰۳
- ۱-۲-۲-۳- تحلیل آماری داده‌ها..... ۱۱۳
- ۳-۲-۳- مقامات حمیدی ۱۱۵
- ۱-۳-۲-۳- تحلیل آماری داده‌ها..... ۱۲۲
- ۳-۳- الگوی سوم : بسط از طریق دو خویشکاری فریبکاری و انجام کار دشوار..... ۱۲۴
- ۱-۳-۳- مقامات بدیع‌الزمان همدانی..... ۱۲۶
- ۱-۱-۳-۳- تحلیل آماری داده‌ها..... ۱۳۶
- ۲-۳-۳- مقامات حریری..... ۱۳۸
- ۱-۲-۳-۳- تحلیل آماری داده‌ها..... ۱۵۴

- ۳-۴- الگوی چهارم: الگوی ویژه‌ی مقامه‌های «المضیریه» از مقامات بدیع‌الزمان همدانی،
 «السنجاریه» از مقامات حریری، و «فی‌السکباج» از مقامات حمیدی ۱۵۶
- ۳-۵- نمودارهای مربوط به الگوی روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی..... ۱۵۸
- یادداشت‌ها ۱۵۹
- بخش سوم: روایت‌شناسی گونه‌ی مقامه..... ۱۶۰
- فصل اول: تمایز زمان تقویمی و زمان متن در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی..... ۱۶۱
- ۱- نظم در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی..... ۱۶۳
- ۱-۱- گذشته‌نگر..... ۱۶۴
- ۱-۱-۱- گذشته‌نگری درون‌داستانی..... ۱۶۴
- ۱-۱-۲- گذشته‌نگری برون‌داستانی..... ۱۶۷
- ۱-۱-۳- گذشته‌نگری مرکب..... ۱۶۸
- ۱-۲- آینده‌نگر..... ۱۶۸
- ۱-۲-۱- آینده‌نگری درون‌داستانی..... ۱۶۹
- ۱-۲-۲- آینده‌نگری برون‌داستانی ۱۷۱
- ۱-۲-۳- آینده‌نگری مرکب..... ۱۷۱
- ۲- تداوم در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی..... ۱۷۲
- ۲-۱- مکث توصیفی یا افزوده‌نوشت ۱۷۴
- ۲-۱-۱- عوامل کاهش‌دهنده‌ی سرعت روایت در مقامه‌های فارسی و عربی..... ۱۷۵
- ۲-۲- حذف یا سپیدخوانی ۱۷۸
- ۲-۳- نقل یا خلاصه و فشرده‌نویسی..... ۱۸۲
- ۲-۴- نمایش صحنه یا برابرنگاری..... ۱۸۵
- ۳- بسامد در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی..... ۱۸۸
- ۳-۱- بسامد مفرد یا تک‌محور..... ۱۸۸
- ۳-۲- بسامد مکرر یا چندمحور..... ۱۸۹
- ۳-۳- بسامد بازگو یا تکرار شونده..... ۱۹۰

۱۹۲	یادداشت‌ها
۱۹۷	فصل دوم: کانونی‌سازی در روایت‌های گونه‌ی مقامه
۱۹۹	۱- کانونی‌سازی در روایت
۲۰۲	۲- انواع کانونی‌سازی در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی
	۲-۱- انواع کانونی‌سازی در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی بر اساس موقعیت
۲۰۲	کانونی‌ساز در داستان
۲۰۴	۲-۱-۱- مقامات بدیع‌الزمان همدانی
۲۰۷	۲-۱-۲- مقامات حریری
۲۰۹	۲-۱-۳- مقامات حمیدی
۲۱۱	۲-۱-۴- وجوه کانونی‌سازی در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی
۲۱۱	۲-۱-۴-۱- وجه ادراکی
۲۱۲	۲-۱-۴-۱-۱- مؤلفه‌ی مکان
۲۱۴	۲-۱-۴-۱-۲- مؤلفه‌ی زمان
۲۱۶	۲-۱-۴-۲- وجه روان‌شناسی
۲۱۶	۲-۱-۴-۱-۲- مؤلفه‌ی شناختی
۲۲۰	۲-۱-۴-۲-۲- مؤلفه‌ی عاطفی
۲۲۲	۲-۱-۴-۳- وجه عقیدتی
۲۲۴	۲-۲- انواع کانونی‌سازی بر اساس میزان تداوم کانونی‌سازی
۲۲۵	۲-۱-۲- مقامات بدیع‌الزمان همدانی
۲۲۷	۲-۲-۲- مقامات حریری
۲۲۹	۲-۲-۳- مقامات حمیدی
۲۳۱	۳- شاخص‌های کلامی کانونی‌سازی
۲۳۳	یادداشت‌ها
۲۳۷	بخش چهارم: انواع ارتباط متون در گونه‌ی مقامه
۲۳۹	۱- بینامتنیت

۲۴۰	۱-۱- نقل قول.....
۲۴۰	۲-۱- سرقت ادبی.....
۲۴۲	۳-۱- بینامتنیت ضمنی.....
۲۴۳	۲- پیرامتنیت.....
۲۴۳	۱-۲- عنوان.....
۲۴۴	۲-۲- عنوان‌های فرعی.....
۲۴۴	۳-۲- مقدمه و خاتمه‌ی کتاب.....
۲۴۵	۳- فرامتنیت.....
۲۴۷	۴- سرمتنیت.....
۲۴۸	۱-۴- خطابه.....
۲۴۸	۲-۴- مناظره.....
۲۵۰	۳-۴- چیستان.....
۲۵۱	۵- زیرمتنیت.....
۲۵۲	۱-۵- گشتار کمی.....
۲۵۲	۱-۱-۵- روش کار.....
	۲-۱-۵- مقایسه‌ی مقامه‌ی « فی السکباج » از مقامات حمیدی با مقامه‌ی « المضیریه » از مقامات بدیع‌الزمان همدانی.....
۲۵۳	۲-۵- گشتار کاربردی.....
۲۷۹	یادداشت‌ها.....
۲۸۲	پیوست.....
۲۸۷	نتیجه‌گیری.....
۳۰۵	منابع.....
۳۱۰	واژه‌نامه.....

مقدمه

مقامه‌های فارسی و عربی اگرچه به لحاظ صوری پراکنده به نظر می‌رسند؛ اما در باطن دارای بنیانی هم‌بسته‌اند که حاصل شگردها و تکنیک‌های روایی مشترک آن‌هاست. ویژگی‌های داستانی و روایی مقامه چندان شناخته شده نیست و درباره‌ی آن اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. عدّه‌ای بر این باورند که مقامه‌ها از نظر داشتن عناصر داستان و پردازش نیکوی آن‌ها از چنان قوت و مقبولیتی برخوردارند که می‌توانند با داستان‌های کوتاه در عصر حاضر برابری کنند (دادخواه و جمشیدی، ۱۳۸۶: ۱۸)؛ عدّه‌ای نیز مخالف این عقیده‌اند و معتقدند که:

«مقامه به طور کل روایت حوادثی است ساده با اسلوبی تصنعی که به سجع غریب مزین است و بیشتر بر ضرب‌المثل و شعر و آیات قرآنی و احادیث تأکید دارد... اگر بگوئیم که مقامات، داستان نیست - با آن مفهوم معروف و شناخته شده‌ی داستان- و مقامه‌نویسان در نگارش مقامات خود داستان‌سرایی نکرده‌اند، چندان اغراق نکردیم و سخن حقیقت بر زبان رانندیم» (سلیمان، ۱۹۸۳: ۳۴۴-۳۴۲).

برخی دیگر می‌گویند که: «مقامه داستان است؛ اما تفاوت آن با داستان‌های امروزی مثل تفاوت میان اندام تو و اندام پدر بزرگ توست» (عبود، ۱۹۵۴: ۳۷). عدّه‌ای نیز معتقدند که فقط تعدادی از مقامه‌ها، داستان است (الشکعة، ۱۹۵۹: ۲۸۱).

وجود این اختلاف نظرها از یک سو و فقدان تحقیقی بنیادین درباره‌ی این موضوع از سوی دیگر، نگارنده را بر آن داشت که به بررسی و تبیین ویژگی‌های روایی مقامات حمیدی و بدیع‌الزمان همدانی و حریری بپردازد تا به پاسخ این پرسش‌ها برسد:

۱- مقامه‌های فارسی و عربی از چه الگو و ساختار روایی برخوردار هستند و این الگوی روایی تا چه میزان با یکدیگر شباهت دارد؟

۲- نویسندگان این روایت‌ها، در نظم و آرایش ارائه‌ی عناصر متن و سامان وقوع عینی رخدادها در داستان، از سیر خطی زمان منحرف شده‌اند یا خیر؟ و اگر انحرافی وجود دارد، شامل چه مواردی است؟

۳- کانونی‌سازی در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی بر اساس موقعیت کانونی‌ساز در داستان و بر اساس میزان تداوم کانونی‌سازی در داستان، چگونه است؟

۴- کتاب‌های *مقامات حمیدی*، *مقامات بدیع‌الزمان همدانی* و *مقامات حریری* بیشتر با کدام متون ارتباط برقرار کرده و این ارتباط چگونه ارتباطی است؟
پژوهش بر پایه‌ی این فرضیه‌ها شکل گرفت:

۱- ساختار روایات مقامه‌های فارسی و عربی به رغم تکثر و تنوع ظاهری، از نظر انواع قهرمان و عملکرد آنان دارای نوعی وحدت و همانندی و هماهنگی متقابل هستند و این ساختار، در هفت حوزه‌ی عمل و سی‌ویک خویشکاری در نظریه‌ی ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ قابل تطبیق است.

۲- در بخش‌هایی از روایت‌های گونه‌ی مقامه انحراف از سیر خطی زمان وجود دارد و این انحراف شامل موارد زیر است: برخی تغییرات جزئی در ترتیب زمانی نقل ماجرا، کوتاه کردن بخشی از وقایع داستان و شرح و تفصیل پاره‌ای دیگر از روایت و تأخیر در بیان روند ماجرا و استفاده‌ی مناسب از برخی از انواع تکرارها.

۳- در روایت‌های مقامه‌های عربی و فارسی، راوی و کانونی‌ساز یک شخص است؛ ولی کانونی‌سازی و عمل روایت جدا از یکدیگرند. با توجه به شگرد داستان در داستان در مقامه‌های فارسی و عربی، این روایت‌ها دارای چند سطح روایی و در نتیجه چند سطح کانونی‌سازی بیرونی و درونی هستند. در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی، درجه‌ی ماندگاری و تداوم کانونی‌سازی در سطوح مختلف این روایت‌ها متفاوت است؛ یعنی، کانونی‌سازی در برخی از سطوح روایت، ثابت و در و در برخی از سطوح روایت، متغیر و چندگانه است.

۴- کتاب‌های *مقامات حمیدی*، *مقامات بدیع‌الزمان همدانی* و *مقامات حریری* نمونه‌ی کاملی از متون دارای ترامت‌نیت هستند که خودآگاهانه، با طیف‌های گوناگونی از متون عربی ارتباط

برقرار کرده و این ارتباط در جهت ایجاد نظام معنایی این متون، شامل کلیه روابط متون در نظریه‌ی ترامتیت ژرار ژنت است که به پنج دسته تقسیم می‌شود.

برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها از نظریه‌های ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ و روایت‌شناسی و شناخت انواع ارتباط متون از ژرار ژنت بهره بردیم. علت انتخاب چند نظریه برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های اصلی تحقیق این است که نگارنده معتقد است به جای تحمیل یک نظریه بر متن باید ویژگی‌های برجسته‌ی خود متن مبنا قرار بگیرد و در شناخت این ویژگی‌ها از نظریه‌های مختلف و متناسب با این ویژگی‌ها به عنوان ابزار کار استفاده شود.

علت انتخاب نظریه‌ی ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ، به جای نظریه‌های جدیدتر این است که روش تحلیل روایت در نظریه‌ی پراپ این قابلیت را دارد که در شناخت نظام کلی داستان‌های متنوع یک گونه به کار آید (Toolan, 2001 : 19)؛ علت انتخاب بخش‌هایی خاص از نظریه‌ی ژرار ژنت (زمان، کانونی‌سازی و نظریه‌ی ترامتیت) هم‌خوانی آن‌ها با برخی از ویژگی‌های برجسته‌ی روایت‌های مقامه‌های عربی و فارسی است که در نظریه‌ی ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ به آن‌ها پرداخته نشده بود؛ به این ترتیب با استفاده از نظریه‌ی پراپ، طرح و نظام کلی روایت‌های گونه‌ی مقامه مشخص می‌شود و با استفاده از نظریه‌ی ژنت، عمل روایت‌پردازی و کیفیت ارائه‌ی این روایت‌ها نشان داده می‌شود. با توجه به مسائل ذکر شده استفاده از این نظریه‌ها برای تحلیل این متون برای نیل به اهداف زیر انجام شده است:

- ۱- کشف و طبقه‌بندی اجزای اصلی تشکیل دهنده‌ی روایات مقامه‌های عربی و فارسی و تبیین نقش آن‌ها در جهت ایجاد نظام و قانون کلی حاکم بر گونه‌ی مقامه.
- ۲- کشف الگوی روایی کلی گونه‌ی مقامه و جدا کردن گونه و نوع روایات مقامات از دیگر انواع داستانی.
- ۳- رده‌بندی روایات مقامات و ارائه‌ی الگوهای روایی فرعی آن.
- ۴- نشان‌دادن تمایز زمان تقویمی و زمان متن در روایت‌های گونه‌ی مقامه.
- ۵- نشان‌دادن انواع کانونی‌سازی در روایت‌های گونه‌ی مقامه.

۶- ارزیابی و توصیف مجموعه‌ای از روابط متنی در کتاب‌های مقامات بدیع‌الزمان همدانی، مقامات حریری و مقامات حمیدی و نشان‌دادن گشتارهای مختلف روایت مقامات حمیدی از روایت مقامه‌های عربی.

برای رسیدن به اهداف مورد نظر ابتدا با نقد و بررسی و اصلاح خطاها و کاستی‌های پژوهش‌های پیشین، به اثبات ضرورت انجام پژوهشی مستقل درباره‌ی ویژگی‌های روایی گونه‌ی مقامه پرداختیم. پس از آن به مطالعه و جستجو در منابع پرداختیم و با روش توصیفی و مقایسه‌ای، اطلاعات به دست آمده را تجزیه و تحلیل کردیم. مراحل انجام کار به شرح زیر است:

در آغاز بخش مربوط به کلیات و مبانی نظری، فصلی را به معرفی مقامه و مقامه‌نویسی در زبان عربی و فارسی، اختصاص دادیم. در این فصل پس از ارائه‌ی تعریفی جامع و مانع از "مقامه" به توضیح این نکته پرداختیم که چرا در این پژوهش، فقط کتاب‌های *مقامات بدیع‌الزمان همدانی* و *مقامات حریری* به عنوان نماینده‌های آثار مربوط به گونه‌ی مقامه در زبان عربی معرفی شده‌اند. پس از آن نشان دادیم که گلستان سعدی اگرچه از بعضی جهات به مقامات شبیه است؛ ولی میان گلستان سعدی و مقامه تفاوت‌هایی بنیادین وجود دارد که اثبات می‌کند که سعدی با نگارش گلستان گونه‌ای جدید را عرضه کرده‌است که از حیث لفظ متناسب با اسلوب نثر فارسی و از حیث محتوا مطابق با ذوق و پسند و ارزش‌های فرهنگی ایرانیان است و در حال حاضر در زبان فارسی فقط یک اثر؛ یعنی، کتاب *مقامات حمیدی* از نظر نوع ادبی، مقامه است و قاضی‌حمیدالدین تنها نویسنده‌ای است که سبک مقامه‌های عربی را هم از جنبه‌ی روایی و هم در اسلوب نگارش با مختصر تفاوت‌هایی در زبان فارسی به‌کار برد.

فصل دوم این بخش مربوط به توضیحاتی درباره‌ی روایت‌شناسی ساختگرا است. در این بخش به تعریف اصطلاح روایت و روایت‌شناسی پرداختیم و با نگاهی مختصر به تاریخچه‌ی علم روایت‌شناسی، اهمیت و جایگاه نظریه‌ی روایت‌شناسی ژرار ژنت را در آن مشخص کردیم.

پس از شناخت گونه‌ی مقامه و آثار مرتبط با آن، بخش دوم این پژوهش را به ریخت‌شناسی مقامه‌های عربی و فارسی اختصاص دادیم. در این بخش، ابتدا اجزای تشکیل دهنده‌ی روایات مقامات را با استفاده از روش ریخت‌شناسی پراپ مشخص کردیم. اجزای اصلی روایات مقامه را

کارهایی دانستیم که اشخاص انجام می‌دهند. این اجزا را به سی‌ویک خویشکاری محدود کردیم تا نشان دهیم که در زیر ظاهر آشفته‌ی روایات، قوانینی بر زایش و تکامل مقامه حاکم است که قابل فرمول‌بندی است.

پس از مشخص شدن اجزای اصلی تشکیل دهنده‌ی روایات، این اجزا مبنای مقایسه‌ی ما قرار گرفت. بر اساس نظریه‌ی ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ برای هر یک از خویشکاری‌ها، نخست توصیف کوتاهی از محتوای آن سپس تعریف خلاصه شده‌اش در یک کلمه و سرانجام رمزگانش را ارائه کردیم. کاربرد رمزگان‌ها به ما کمک می‌کرد که ساختار مقامات را از طریق آن‌ها با هم مقایسه کنیم.

پس از جداسازی خویشکاری‌ها، مقامه‌هایی را که در آن‌ها اشخاص، خویشکاری‌هایی یکسان دارند را از بقیه جدا کردیم و آن‌ها را در یک گروه طبقه‌بندی کردیم.

در مرحله‌ی بعد بر مبنای مقامه‌های هم‌گروه، فهرستی از انواع فرعی گونه‌ی مقامه را در چهار الگو معرفی کردیم که بر معیارهای ساختاری دقیقی متکی بود. این فهرست که نشان‌دهنده‌ی وحدت نوعی گونه‌ی مقامه نیز هست، با جدول‌ها و نمودارهایی آماری دقیق تحلیل شد تا خویشکاری‌های پایه‌ی هر الگو در هر متن به‌طور مجزاً معرفی شود. در مرحله‌ی آخر با مقایسه‌ی این چهار الگو نشان دادیم که ۱۲۴ روایت مقامه‌های فارسی و عربی، در چارچوب یک روایت واحد خلاصه می‌شود و این ۱۲۴ مقامه در واقع اشکال مختلف یک طرح اولیه‌ی بنیادین هستند که به خلق و ایجاد گونه‌ی مقامه می‌پردازد.

بخش سوم پژوهش به روایت‌شناسی گونه‌ی مقامه براساس نظریه‌ی روایت‌شناسی ژرار ژنت، اختصاص یافت. در فصل اول این بخش به بررسی تمایز زمان تقویمی و زمان متن در روایت‌های مقامه‌های فارسی و عربی پرداختیم و دریافتیم که در روایت‌های گونه‌ی مقامه بازنمایی روایی، اغلب پیرو توالی طبیعی رخدادها است و ترتیبی که با آن، رویدادها یا بخش‌های زمانمند آرایش می‌یابند، غالباً با توالی خطی وقایع و زمان هم‌خوانی دارد و در این روایت‌ها زمان‌پریشی به ندرت رخ می‌دهد؛ ولی در همان موارد اندک، تعدد مقامه‌هایی که با نگاهی گذشته‌نگر روایت شده‌اند، وجه غالب این نوع از زمان‌پریشی را در گونه‌ی ادبی مورد نظر به اثبات می‌رساند.

علاوه بر این، بر اساس معیار تداوم یا دیرش به بررسی نسبت بین زمان متن و حجم متن پرداختیم تا ضرباهنگ و شتاب روایت‌های گونه‌ی مقامه را به دست آوریم و از این طریق نشان دهیم که در مقامه‌نویسی چه موقعیت‌هایی، محدوده‌ی زمانی روایت‌شدن یک مقامه و زمان متن آن روایت را از دامنه‌ی زمانی حقیقی و واقعی آن متمایز می‌کند. براساس این معیار دریافتیم که نثر مقامه‌ها به دلیل گرایش به صنعت‌پردازی، جایگاه مناسبی برای ایجاد اطناب در بیان راوی است و این اطناب در دل مقامه‌ها، از دلایل اصلی کاهش سرعت روایت در گونه‌ی مقامه است.

در بخش مربوط به بسامد به بررسی رابطه‌ی بین تعداد دفعات تکرار رخدادی در داستان و تعداد دفعات روایت آن رخداد در متن پرداختیم و دریافتیم که نویسندگان این روایت‌ها، با استفاده‌ی مناسب از انواع تکرار در روایت، بر نحوه‌ی دریافت خواننده از اثر خویش تأثیر گذاشته‌اند.

در فصل دوم این بخش به بررسی کانونی‌سازی در روایت‌های گونه‌ی مقامه پرداختیم و دریافتیم که در این روایت‌های اوّل شخص، اگرچه راوی و کانونی‌ساز یک شخص است؛ کانونی‌سازی و عمل روایت جدا از یکدیگرند و این روایت‌ها دارای چند سطح روایی و در نتیجه چند سطح کانونی‌سازی بیرونی و درونی هستند که در وجوه مختلف ادراکی، روان‌شناسی و عقیدتی شکل می‌گیرند. بر اساس معیار درجه‌ی ماندگاری و تداوم کانونی‌سازی در مقامه‌های فارسی و عربی دریافتیم که در این روایت‌ها، درجه‌ی ماندگاری در سطوح مختلف متفاوت است؛ یعنی، کانونی‌سازی اغلب در سطح دوم روایت، ثابت و در سطح سوم روایت، متغیر و چندگانه است.

از آن‌جا که براساس روش ریخت‌شناسی و روایت‌شناسی، روایت‌های مقامه به عنوان پدیده‌های زبانی مستقل، جدای از بافت تولید و دریافتشان مورد توجه قرار می‌گیرد و به بُعد معنایی و روابط برون‌متنی آن پرداخته نمی‌شود (Chatman, 1978: 89)، در مرحله‌ی آخر به عنوان مبحثی تکمیلی، بخشی را به معرفی انواع ارتباط میان روایت‌های مقامات حمیدی با مقامات عربی اختصاص دادیم و با استفاده از نظریه‌ی ترامنتیّت ژرار ژنت نشان دادیم که

روایت‌های گونه‌ی مقامه، با چه متونی ارتباط برقرار کرده‌اند و این ارتباط در جهت ایجاد نظام معنایی آن‌ها، شامل چه روابطی است؟

در این‌جا ممکن است این سوال مطرح شود که نتایج حاصل از این فصل چه کمکی به شناخت ویژگی‌های روایی گونه‌ی مقامه خواهد کرد؟ پاسخ این است که با توجه به این‌که روایت‌های گونه‌ی مقامه هم در زبان فارسی و هم در زبان عربی به نثر مصنوع و متکلف نوشته شده‌اند، بخشی از فهم زبان مجازی و استعاری آن‌ها وابسته به دریافت الگوها و متونی است که این روایت‌ها با آن در ارتباط بودند؛ علاوه بر این بیش از نیمی از مباحث این فصل به مبحث زبَرمتنیت اختصاص دارد که در آن با بررسی نشانه‌ها و زمینه‌های الهام‌گیری روایت‌های کتاب *مقامات حمیدی*، از روایت‌های کتاب‌های *مقامات بدیع‌الزمان همدانی* و *مقامات حریری* مبحث انگیزش را که مرتبط با نظریه‌ی ریخت‌شناسی پراپ است مطرح می‌کنیم و نشان می‌دهیم که ما در این اثر با تغییر حجم متن روایت و دلالت‌های معناشناسی و ارزشی جدیدی روبه‌رو هستیم.

در پایان اذعان می‌کنیم که بررسی ویژگی‌های روایی گونه‌ی مقامه اگرچه در آغاز به دلیل وجود ثبات در ساختمان این روایات و بنیان هم‌بسته‌ی آن‌ها سهل می‌نمود؛ ولی از جهاتی دیگر دشواری‌هایی در پی داشت؛ از جمله این که بخش اعظم متون مورد پژوهش به زبان عربی و با نثری مصنوع و متکلف نوشته شده بود و مفاهیم بسیاری از روایت‌ها در اعتقادات عرفانی و مسائل کلامی و فلسفی و معماهای فقهی و طب و نجوم ریشه داشت که دشواری و پیچیدگی کار را مضاعف می‌کرد.

کلام آخر این که اگر راهنمایی‌ها و همّت استاد راهنمایم خانم دکتر زهرا اختیاری و استادان مشاورم آقای دکتر سیدجواد مرتضایی و خانم دکتر سمیرا بامشکی در طی این مرحله بدرقه‌ی راهم نمی‌بود، مرا یارای درآمدن به این میدان و به درآمدن از آن نبود؛ به‌ویژه پیشنهادهای سازنده‌ی استادان گران‌قدر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و دکتر ابوالقاسم قوام، نعمتی بود که از دست و زبان من برنمی‌آید تا از عهده‌ی شکرش به درآیم.

امید است که خواننده‌ی محترم با چشم خطابخش و پوزش‌پذیر خویش به کاستی‌های احتمالی این پژوهش بنگرد و این رساله مقدمه‌ای باشد برای به انجام رساندن پژوهش‌هایی عالمانه درباره‌ی تحول فنّ مقامه‌نویسی و تأثیر آن در دیگر متون روایی زبان فارسی.

پیشینه‌ی پژوهش و نقد آن

درباره‌ی نثر فنی و سبک و اسلوب نگارش گونه‌ی مقامه، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ ولی پژوهشگران زبان و ادبیات عربی و فارسی آن‌گونه که بایسته است به ویژگی‌های روایی آن توجه ننموده و اغلب به معرفی برخی از عناصر داستانی تعدادی از مقامات پرداخته‌اند؛ از آن‌جا که متون علمی برای اصلاح بخشی از کاستی‌های مباحث تخصصی همواره نیازمند تحلیل، بررسی و ارزشیابی مستمر هستند، هدف در این بخش نقد و بررسی و اصلاح خطاها و کاستی‌های این پژوهش‌ها و نشان دادن ضرورت انجام پژوهشی مستقل درباره‌ی ویژگی‌های روایی گونه‌ی مقامه است. در ادامه به ترتیب تاریخ نگارش به نقد و بررسی این پژوهش‌ها می‌پردازیم:

۱- نخستین پژوهش کتابی است به زبان عربی درباره‌ی روایت‌شناسی مقامات بدیع‌الزمان همدانی که در ذیل به معرفی و نقد آن می‌پردازیم.

عنوان و شناسنامه‌ی کتاب

بکر، ایمن. (۱۹۹۸). *السردي في مقامات الهمداني*. الهيئة المصرية العامة للكتاب.

این کتاب از یک مقدمه و چهار فصل به شرح زیر تشکیل شده است:

فهرست مطالب کتاب:

مقدمه

الفصل الاول (مفاهيم نظرية)

الفصل الثاني (مكونات القصة)

الفصل الثالث (مكونات النص)

الفصل الرابع (في تأويل النص)

خاتمة

المصادر و المراجع

محتوای کتاب

در این پژوهش نویسنده، همه‌ی مصداق‌های موجود در مقامات بدیع‌الزمان همدانی را بیان نکرده‌است؛ به‌گونه‌ای که در این کتاب دویست و پنجاه صفحه‌ای تمامی مباحث مربوط به «زاویه‌ی دید و کانون‌سازی در مقامات بدیع‌الزمان همدانی، سطوح کانون‌سازی در مقامات بدیع‌الزمان همدانی، عوامل کانون‌سازی در مقامات بدیع‌الزمان همدانی، کانونی شونده در مقامات بدیع‌الزمان همدانی» فقط در پانزده صفحه - از صفحه ۶۴ تا ۷۹ - گنجانده شده‌است و مباحث مربوط به زمان داستان و زمان متن در مقامات بدیع‌الزمان همدانی، ترتیب: تأخر زمان و تقدم زمان در مقامات بدیع‌الزمان همدانی، دیرش: حذف، خلاصه، صحنه و مکث توصیفی در مقامات بدیع‌الزمان همدانی، بسامد: بسامد منفرد، بسامد تکراری، بسامد مکرر در مقامات بدیع‌الزمان همدانی فقط در یازده صفحه - از صفحه ۹۳ تا ۱۰۴ - گنجانده شده‌است و در فصل چهارم فقط به تفسیر و تحلیل تکنیک روایت پنج مقامه‌ی (الاسدية، الموصولية، المضيرية، الحلوانية و الخمرية) از مقامات بدیع‌الزمان همدانی اکتفا شده‌است. این امر سبب شده که پژوهش آقای ایمن بکر برای روایت‌شناسی گونه‌ی مقامه، از جامعیت لازم برخوردار نگردد.

۲- پژوهش دیگری که در این موضوع انجام شده‌است، مقاله‌ای است مربوط به پیرنگ در مقامات حریری و حمیدی که در ادامه به معرفی و نقد و بررسی ساختار و محتوای آن می‌پردازیم.

عنوان و شناسنامه‌ی مقاله

دادخواه، حسن؛ جمشیدی، لیلا. (۱۳۸۵). «پیرنگ در مقامات حریری و حمیدی». مجله‌ی

انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۵. بهار و تابستان ۱۳۸۵. ص 67-87.

ساختار مقاله

در این مقاله حدود چهارده صفحه (از صفحه ی ۶۹ تا ۸۳) به توصیف طرح مقامات حریری و فقط سه صفحه به بررسی پیرنگ در مقامات حمیدی اختصاص دارد. علاوه بر این در این مقاله برخی تقدیم و تأخرهای غیرمعمول وجود دارد که به انسجام ساختار مقاله لطمه زده است؛ از جمله در بخش «طرح داستان کوتاه در مقامات حریری» نویسندگان به تقسیم بندی طرح داستان های حریری در سه بخش مقدمه و بدنه و پایان می پردازند و پس از آن که در بخش مقدمه کارکردهای مقدمه را در مقامات حریری برمی شمردند، در بخش بدنه ی طرح مقامات حریری از همان سطر نخست حمیدی را هم در تحلیل و بررسی ها دخیل می کنند و خواننده را متحیر می کنند که دلیل حضور حمیدی و مقامات او در بدنه ی طرح داستان مقامات حریری چیست؟!

محتوای مقاله

فشرده ی یافته های این مقاله درباره ی پیرنگ در مقامات حریری و حمیدی این است که در مقامات حریری قهرمان تمام داستان ها یک نفر (ابوزید) است که حوادث اصلی داستان مربوط به اوست و بنا به این دلیل که در آخرین مقامه ابوزید دزد و حيله گر از اعمال ناپسند خود دست می کشد، ما با یک طرح قوی از داستانی کلان مواجهیم؛ ولی طرح مقامات حمیدی به دلیل این که دارای داستان های متعدد از زبان راویان متعدد و درباره ی افراد متفاوت است، ضعیف است؛ در حالی که بنا به دلایل زیر نظریات و نتایج مطرح شده در این مقاله صحت ندارد:

الف - اگرچه قهرمان داستان های مقامات حریری شخص واحدی است؛ ولی این کتاب از طرحی که مانند ستون فقرات، داستان ها را به هم مرتبط می کند تا یک سازه ی منسجم را شکل دهد، برخوردار نیست. در یک مقامه ابوزید، راوی را مورد لطف و عنایت مالی خویش قرار می دهد (حریری البصری، ۱۳۶۴: 205-213) و بلافاصله در مقامه ی بعد اموال او را به سرقت می برد و او را در بیابان رها می کند (همان: 213-221) و در مقامه ی بعد هنگامی که راوی، ابوزید را در لباس خطیبی بلیغ می بیند، به نزدش می رود و با او به قول و غزل می پردازد بدون این که هیچ اشاره ای به سرقت ناجوانمردانه ی اموالش بکند (همان: 221-228).

بنابراین مقامات حریری دارای طرحی قوی از داستانی کلان نیست و ساختار این کتاب به زنجیری می ماند که حلقه های آن از هم گسسته و در امتداد هم چیده شده است و هر کدام از این

حلقه‌ها تشخیصی واحد دارند؛ زیرا هر مقامه دارای موضوع واحدی است و هیچ ارتباطی بین معنا و محتوای این داستان‌ها وجود ندارد و با جابه‌جا کردن مقامه‌ی سوم با چهارم و دوم با پنجم، هیچ آسیبی به ساختار اثر و معنی‌رسانی آن نمی‌رسد.

ب- برای یافتن طرح و پیرنگ در هر داستان باید ریشه‌ی انگیزه‌ها و روابط علت و معلول را بررسی کرد؛ به عنوان نمونه عبارت «قهرمان به مزرعه رفت و سپس پسرش هم به مزرعه رفت» فقط روایت است؛ اما عبارت «قهرمان به مزرعه رفت و سپس پسرش برای کمک به او به مزرعه رفت» دارای پیرنگ است؛ زیرا در این عبارت علاوه بر این که توالی زمان حفظ شده است، عنصر سببیت هم دیده می‌شود. در آخرین مقامه از مقامات حریری - که سبب شد نویسندگان محترم بپندارند که حریری در ایجاد یک طرح کلی متشکل از مجموعه‌ی مقامات توفیق یافته است - علاوه بر این که هیچ ارتباطی با مقامات قبلی دیده نمی‌شود، عنصر سببیت نیز قوی نیست و تحویل شخصیت قهرمان داستان بدون مقدمه و دلیل و حتی خواسته‌ی قلبی خود قهرمان به وجود می‌آید؛ به این ترتیب که ابوزید به هنگام گدایی برای فریب دادن مردم از آنان طلب مغفرت می‌کند؛ ولی ناگهان چشم‌هایش پر از اشک می‌گردد و به مردم بشارت می‌دهد که دعایشان قبول شده است و پس از آن تبدیل به زاهدی گوشه نشین می‌گردد (همان: 412-425).

در بخش‌های دیگر این مقاله، تحلیل متن در فضای گنگ کلی‌گویی‌های نویسنده محصور می‌ماند و خواننده با سخنانی بدون مصداق مواجه می‌شود، از جمله:

«در بدنه، به جز چند حادثه که از داستان‌های حریری گرفته شده است، ماجرای قابل توجهی رخ نمی‌دهد. در بیشتر موارد، حوادث فرعی چنان گسترش یافته که حوادث اصلی را تحت‌الشعاع قرار داده است. گاهی هم حوادث اصلی تا حدودی خود را نشان می‌دهند؛ ولی به دلیل مشخص نبودن هویت شخصیت‌ها جذابیت لازم را نمی‌یابند. همچنین جز در مورد چند مقامه، بدنه‌ی داستان‌ها فاقد یک بحران قوی است که بتوان آن را اوج داستان نامید؛ البته باید گفت در همین چند مقامه، حمیدی تمام سعی خویش را به کار برده تا طرح خود را به طرح داستانی حریری نزدیک کند.» (دادخواه، ۱۳۸۵ : 84-85).

علاوه بر این در متن این مقاله برخی کلی‌گویی‌های خلاف واقع نیز دیده می‌شود؛ به عنوان مثال در بخش پیرنگ در مقامات حمیدی نویسندگان ادعا می‌کنند که موضوع داستان‌های حریری

همگی برگدائی و حيله‌گری شخصیت اول می‌چرخد (همان: ۸۳)؛ در حالی که در شش مقامه (معادل دوازده درصد) از مقامات حریری اثری از گدایی و حيله‌گری نیست؛ از جمله:

در مقامه‌ی «المراغیة» که نه تنها اثری از گدایی و حيله‌گری ابوزید نیست؛ بلکه ابوزید پس از نشان دادن هنر سخنوری خویش به امیر شهر، درخواست او را مبنی بر قبول کردن منصب ریاست دیوان انشا رد می‌کند و با مناعت طبع از وی جدا می‌شود؛ در مقامه‌ی «السنجاریة» ابوزید از عشق خود به کنیزکی سخن می‌گوید که تهدید و ارعاب امیر شهر او را مجبور به فروختن محبوبش می‌کند؛ در مقامه‌ی «النصیبیة» سخن از بیمارشدن قهرمان و بخشندگی و مهمان‌نوازی اوست؛ در مقامه‌ی «الرقطاء» راوی که به شدت فقیر شده‌است، از سخاوت فراوان ابوزید برخوردار می‌گردد؛ در مقامه‌ی «الرملیة» راوی، ابوزید را در سفر حج می‌بیند که به موعظه می‌پردازد و در قبال آن پولی دریافت نمی‌کند؛ در مقامه‌ی «البصریة» ابوزید تبدیل به زاهدی گوشه‌نشین شده‌است که فقط به عبادت می‌پردازد. متأسفانه وجود چنین نتیجه‌گیری‌های نادرست از داده‌های پژوهش جایی برای بیان مزایای آن باقی نگذاشته است.

۳- پژوهش دیگر مقاله‌ای مربوط به عنصر شخصیت در مقامات حریری و حمیدی است که در ذیل به معرفی و نقد و بررسی جداگانه‌ی ساختار و محتوای آن می‌پردازیم:

عنوان و شناسنامه‌ی مقاله

دادخواه، حسن؛ جمشیدی، لیلا. (۱۳۸۶). «عنصر شخصیت در مقامات حریری و حمیدی».

نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۱، ص ۱۷-۴۴.

ساختار مقاله

در نخستین نگاه به این مقاله ایرادهایی در ساختار آن به چشم می‌خورد که آن‌ها را بیان می‌نمائیم: معمول است که در ابتدای مقاله‌های علمی - پژوهشی ابتدا بخشی به تعاریف و مبانی نظری پژوهش اختصاص داده‌شود و پس از آن مطالب اصلی تحقیق ارائه شود؛ ولی در این مقاله ساختار متفاوتی مشاهده می‌شود. ابتدای مقاله بحث مربوط به «انواع شخصیت بر اساس نقش آن‌ها در مقامات» است و پس از آن، بخش تعاریف و مطالب مربوط به «شخصیت‌پردازی و شیوه‌های آن» آمده است.

نکته‌ی دیگر تکرار مبحث «انواع شخصیت در مقامات حریری و حمیدی» در آغاز و پایان مقاله است که دلیل آن مشخص نیست. بهتر بود که به جای آن که مبحث انواع شخصیت دو پاره شود و یکی پس از مقدمه و دیگری قبل از نتیجه‌گیری بیاید، هر دو با هم تلفیق می‌شد و پس از مبحث مربوط به تعاریف و کلیات شخصیت‌پردازی گنجانده می‌شد.

محتوای مقاله

در این مقاله ادعا شده‌است که همه‌ی مقامات حمیدی و حریری می‌توانند با داستان‌های کوتاه در عصر حاضر برابری کنند؛ در حالی که در مقدمه‌ی این پژوهش نیز متذکر شدیم که درباره‌ی داستان دانستن گونه‌ی مقامه اتفاق نظر وجود ندارد و پژوهشگران هنگام مقایسه‌ی میان فن مقامات و داستان به چند دسته تقسیم می‌شوند و از آن‌جا که تمامی مقامات از ساختار یکسانی برخوردار نیستند و برخی از آنها روایتی از یک گفت و شنید هستند و برخی فقط روایتی از یک «گفت» هستند و از آن‌جا که دایره‌ی موضوعات مرتبط با روایت گسترده‌تر از داستان است و روایت مجموعه‌ای است که اخبار روزنامه‌ها، کتاب‌های تاریخی، رمان‌ها، فیلم‌ها، جلسات روان‌کاوی و... را دربرمی‌گیرد (Rimmon-Kenan, 2002:1)، بهتر است که مقامه را گونه‌ای روایی بدانیم تا داستان.

علاوه بر این در بخش مربوط به «انواع شخصیت بر اساس میزان نقش آن‌ها در مقامات» ادعا شده‌است که «دگرگونی شخصیت در مقامات حمیدی دیده نمی‌شود» (دادخواه، ۱۳۸۶: ۲۲) و «همه‌ی شخصیت‌ها در مقامات حمیدی، شخصیت ایستا هستند؛ چه این که در این شخصیت‌ها هیچ تغییر قابل توجهی چه در طول داستان و چه در پایان آن مشاهده نمی‌کنیم» (همان: ۳۶)؛ در حالی که شواهدی که در ذیل ارائه می‌شود، در صحت این ادعا تردید ایجاد می‌کند: در مقامه‌ی «بین اللّاطی والزانّی» از مقامات حمیدی راوی در پایان داستان دچار تحول می‌شود و از اعمال منافی شرع دست بر می‌دارد: «چون بخار این سخن به مَصعد دماغ من ترقّی کرد، طبعم از اختیار مَلّت شاهدبازی توقّی کرد. گفتم بر قضایای این مجالات و فحوای این دلالات، این مذهب گذاشتنی است و این حرفت دست بداشتنی است» (بلخی، ۱۳۶۵: ۱۵۲).